

کیهان

اهمیت وارزش دشمن شناسی

از نظرآموزه‌های قرآن، هر انسانی در زندگی فُردی و اجتماعی خویش نیازمند شناخت از دیگران است؛ زیرا تعامل با دیگران باید بر اساس شناختی حقیقی و درست باشد تا مورد سوءاستفاده دیگران قرار نگیرد و زندگی و سعادت دنیوی و اخروی او تباه نشود.

در اهمیت شناخت دیگران به‌ویژه دشمن شناسی همین بس که هدایت و ضلالت انسان در گرو چنین شناختی است؛ زیرا انسان تا نداند با چه کسی نشست و برخاست و معاشرت دارد، نمی‌تواند به او اعتماد کند؛ چرا که اعتماد به دیگری می‌تواند سعادت دنیوی و اخروی او را تضمین یا تهدید کند.(نساء، آیه ۴۴ و۴۵)

انسان تا زمانی که دشمن را نشناسد نمی‌تواند نسبت به او هوشیاری داشته و به مقابله و مبارزه با فریبکاری و توطئه‌های او بپردازد؛ بنابراین، هر انسان عاقلی سعی می‌کند تا دیگران را بشناسد و نسبت او را با خود دریابد؛ چرا که بدون شناخت ممکن است در شرایطی قرار گیرد که مورد سوءاستفاده قرار گرفته و از هدایت به ضلالت و از سعادت به شقاوت گرفتار آید.(همان) البته تنها شناخت دشمن کفایت نمی‌کند؛ زیرا برخی دشمن را می‌شناسند، ولی به آن اهمیت نمی‌دهند و برنامه‌ای برای دشمن ندارند، این‌گونه است که دشمن می‌تواند به او آسپیی جدی برساند. لذا افزون بر شناخت دشمن لازم است که انسان دشمن را دشمن بشمارد و با او به عنوان دشمن تعامل داشته باشد. از همین رو خدا بصراحت می‌فرماید: در حقیقت شیطان دشمن شماست شما نیز او را دشمن بگیرید و فقط دار و دسته خود را می‌خواند تا آنها از یاران آتش باشند.(فاطر، آیه ۶)

از آیات قرآن این معنا به دست می‌آید که برخی از مردم با اصول جن و شیاطین جنی را قبول ندارند و آن را توهمات و تخیلات می‌شمارند؛ یا اگر وجود آنان را بپذیرند، آنان را دشمن نمی‌دانند و یا اگر دشمن بدانند نسبت به آنها برنامه‌ای ندارند. البته این اختصاص به جنیان ندارد، بلکه حتی گاه افراد انسانی براین باورند که دیگری از جنس انسان دشمن او نیست و وجود دشمن یا دشمنی را توهم می‌دانند و از «توهم توطئه» یا «توهم دشمنی» سخن می‌گویند. اینان گاه واقعیت را وارونه جلوه می‌دهند و همه نشانه‌های دشمنی را توهم برمی‌شمارند. به عنوان نمونه با وجود دشمنی مستکبران

مسجد مکهای مقدس است و نقش ویژه‌ای در تربیت و خودسازی دارد. مسلمانان در مسجد یکدیگر را دیدار کرده و از حال هم خبردار می‌شوند. بر گزاری نماز جماعت و دیگر فعالیت‌های دینی مانند سخنرانی و ذکر دعای مسبت، تقویت روحیهٔ اسلامی می‌شود. متأسفانه برخی سرگرمی‌ها و جاذبه‌ها که در عصر کنونی افزایش پیدا کرده مانع از حضور در مساجد می‌شود. شارع مقدس «خواندن متعال و ائمهٔ معصومین(ع)» با تفهیل‌تعالی که برای مسجد و اقامهٔ نماز جماعت در آن بیان کرده‌اند، مسلمانان را برای حضور در آن ترغیب کرده‌اند.

جایگاه مسجد در آیات و روایات
آیات قرآنی بسیاری در رابطه با «مسجد» و «مساجد» نازل شده است که حاکی از اهمیت آن در نزد خداوند متعال است. لفظ «مسجد» ۲۲ مرتبه و لفظ «مساجد» ۶ مرتبه در قرآن ذکر شده. برخی از آیات در رابطه با «مسجدالحرام» است و برخی نیز دربارهٔ تمامی مساجد در جهان مسجد در فرهنگ اسلامی برخی از آیات عمومی و غیراختصاصی قابل توجه است:

الف) «کیست ستمکار از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آن نمود؟! بایسته نیست آنان، جز با ترس و وحشت، وارد این (کانون‌های عبادت) شوند. پرهز آنها در دنیا (فقط) رسوایی است و در سرائ دیگر،عذاب عظیم (الهی)» (بقره ۱۱۴/۱)
در آیهٔ فوق، افرادی که از ذکر خدا در مسجد جلوگیری می‌کنند و آن را ویران می‌کنند، ستمکار معرفی شده‌اند و

دربارهٔ اهمیت بنای مسجد احادیث فراوانی از طرق اهل‌لیت و اهل سنت رسیده است که اهمیت فوق‌العادهٔ این کار را نشان می‌دهد. از پیامبر(صلی الله علیه و آله) چنین نقل شده که فرمود: کسی که مسجدی بنا کند هر چند به‌اندازهٔ لانهٔ مرغی باشد خداوند خانه‌ای در بهشت برای او بنا خواهد ساخت. در حدیث دیگری از آن حضرت نقل شده: کسی که چراغی در مسجدی برافروزد، فرشتگان و حاملان عرش الهی مادام که نور آن چراغ در مسجد می تابد برای او استغفار می کنند.

ثمرهٔ این کار آنها، در دنیا و آخرت ظاهر می‌شود، یعنی رسوایی در دنیا و عذابی بزرگ در آخرت. بدون شک مفهوم آیه فوق، مفهومی گسترده است و به زمان و مکان معینی محدود نمی‌شود، همانند سایر آیاتی که در شرایط خاصی نازل شده اما حکم آن در همهٔ قرون و اعصار ثابت است. بنابراین هر کس و هر گروه به‌ونه‌ای به تخریب مساجد الهی بکوشد یا مانع از آن شود که نام خدا و عبادت او در آنها انجام گیرد، مشمول همان رسوایی و همان عذاب عظیم است که در آیه اشاره شده. توجه به این نکته نیز لازم است که جلوگیری از ورود به مسجد و ذکر نام پروردگار و کوشش در تخریب آن، تنها به این نیست که مثلا با بیل و کلنگ ساختمان آن را ویران کنند، بلکه هر عملی که نتیجهٔ آن تخریب جایگاه و شان مساجد و از رونق افتادن آن باشد نیز مشمول همین حکم است؛ چراکه در

انسان در دنیا موجودی اجتماعی است، به طوری که نمی‌تواند نیازهای گوناگون به‌ویژه عاطفی و روحی خویش را بدون دیگری برطرف کند. از سبویی دیگر، از نظر قرآن، انسان از نظر خلقتی موجودی «ظلوم و جهول» است(احزاب، آیه ۷۲) به «استخدام» و «تسخیر» دیگری اقدام می‌کند.(زخرف، آیه ۲۲) این‌گونه است که تضاد و تقابل منافع ایجاد می‌شود و دشمنی و درگیری پدیدار می‌شود.

به سخن دیگر، هر فرد انسانی در زندگی دنیوی خویش ناچار به تعاملات با دیگرانی است که گاه به سبب تضاد منافع و مسئله تسخیر و استخدام و ظلوم و جهول بودن، با دیگران درگیر می‌شود و به جای ارتباط سالم در قالب دوستی، ارتباط ناسالمی به نام دشمنی پدید می‌آید.

مسئله مهم دیگری که نباید از آن غافل بود، مسئله فریبکاری انسان است؛ یعنی انسان‌ها می‌توانند چیزی را نشان دهند که نیستند؛ بنابراین، نمی‌توان به سادگی آنان را شناخت؛ زیرا چیزی می‌گویند و در دل یا عمل کاری دیگر می‌کنند؛ پس نمی‌توان به ظاهر قول و عمل آنان اکتفا کرد و براساس آن به قضاوت پرداخت. مکر و کید از سوی انسان‌ها موجب می‌شود که قضاوت نسبت به هر یک به سختی انجام شود. در بسیاری از موارد مردمان در دام مکر دیگری گرفتار می‌آیند که تبعات و آثار زیانباری را بر فریب خورده به دنبال دارد.(ابراهیم، آیه ۴۶؛ نوح، آیه ۲۲؛ نمل، آیه ۵۰)

با توجه به همه آنچه گفته شد، انسان چگونه می‌تواند دوست را از دشمن تشخیص دهد؟ آیا می‌توان ملاک و معیاری را یافت که براساس آن شناختی از دیگران کسب کنیم و دوست را از دشمن بازشناسیم؟ قرآن به این پرسش پاسخ می‌دهد.

مجتبی رجبی

معارف

Maarefkayhan@Kayhan.ir



راه شناخت دوست از دشمنی

علیه بشریت و جنایت‌ای شمار علیه‌انسان‌ها، دشمنی آنان را «توهم» معرفی می‌کنند و خواهان دوستی و تعامل با آنان می‌شوند. از نظر قرآن، اگر کسی به این نتیجه نرسد که دشمنی وجود دارد، هرگز آمادگی تقابل با دشمن را نداشته و این‌گونه گرفتار مکر و فریب دشمن شده و حتی نابودی و شقاوت

یکی از راه‌های شناخت دشمن، نگاه به افکار و رفتار اوست. دشمن جز بدخواهی نمی‌خواهد و کاری برای خیرخواهی نمی‌کند، بلکه اگر خیری برسد ناراحت می‌شود و نیز مانع خیر رسانی می‌شود. خدا در قرآن می‌فرماید دشمن منتظر است تا به شما بدی برسد تا خوشحال شوند و اگر خیر رسید، ناراحت می‌شوند.

ابدی را برای خویش رقم می‌زند.(فاطر، آیه ۶) قرآن به انسان‌ها هشدار می‌دهد که خدا نسبت به دشمنان انسان عالم است که یکی از مهم‌ترین آنها ابلیس جنی شیطانی است که سوگند خورده تا انسان را فریب داده و از سعادت ابدی به شقاوت ابدی گرفتار کند. این در حالی است که بسیاری از مردم به سبب عدم امکان رویت با چشمان سر، اصول جن و شیطان را انکار کرده و آن را توهم و تخیلات واهی می‌شمارند. این‌گونه

تفسیر آیه ﴿إِنَّمَا يُعَمِّرُ مُسَاجِدَ ٱلَّذِینَ﴾ (توبه/۱۸) چنان‌که خواهد آمد، طبق صریح بعضی از روایات، منظور از عمران و آبادی مسجد تنها ساختمان آن نیست، بلکه حضور در آنها و توجه به محافل و مجالس مذهبی که در آنها تشکیل می‌شود و موجب یاد خداوند است نیز یک نوع عمران است؛ بلکه مهم‌ترین عمران شمرده شده. بنابراین در نقطهٔ مقابل، آنچه باعث شود که مردم از یاد خدا غافل گردند و از مساجد باز مانند، ظلمی است بسیار بزرگ! (ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۱۱)

ب) «مساجد خدا در تنها کسی آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و نماز را برپا دارد و زکات را ببردارد و جز از خدا ترسد، امید

است و چنین گروهی از هدایت‌یافتگان باشند.» (توبه/۱۸)

در آیهٔ دوم به اهمیت احداث و نگهداری مساجد پرداخته شده و این امر را مختص کسانی دانسته که شریاطی در روح و اعمال خود داشته باشند.

دربارهٔ اهمیت بنای مسجد احادیث فراوانی از

طرق اهل‌لیت و اهل سنت رسیده است که اهمیت فوق‌العادهٔ این کار را نشان می‌دهد. از پیامبر (صلی الله علیه و آله) چنین نقل شده که فرمود: «من بنی مسجدی و لو کمفصץ قطاة بنی‌الله» یعنی «منی‌ای‌الجنه» (بخارالانوار، ج ۲، ص ۴۶) کسی که مسجدی بنا کند هر چند به‌اندازهٔ لانهٔ مرغی باشد، خداوند خانه‌ای در بهشت برای او بنا خواهد ساخت. در حدیث دیگری از پیامبر(ص) نقل شده: «من اسرج فی مسجد سراجا لم تزل الملائکه و

آینده را حل کنید. در روایات، تمام جماعت عادل، آراستگی ظاهر، عطر زدن ولباس زیبا پوشیدن به هنگام نماز، بلند کردن دستان به هنگام رکوع و سجود، شرکت در نماز عید و نماز جمعه، از جمله مصادیق زینت شمرده شده‌اند.

امام مجتبی(ع) به‌هنگام نماز و حضور در مسجد، بهترین لباس خود را می‌پوشید و می‌فرمود: «نَّالَ ٱللَّهِ جَمِیلَ یَجِبُ ٱلْجَمَالَ فَاتَّخِذْ لِرَبِّی» (وسائل‌الشیعه، ج ۴، ص ۴۵۵)، خداوند زیباتر و زیبایی را دوست دارد و من لباس خود را برای پروردگارم می‌پوشم، آن‌گاه این آیه را تلاوت می‌فرمودند. با زینت به مسجد رفتن، احترامی است به بندگان خدا، به عبادت خدا و همچنین سبب ایجاد جاذبه و ترغیب عملی دیگران است.

نقش مسجد در تربیت دینی
مسجد محلی برای نشر معارف اسلام، وحدت مسلمانان، دیدار مسلمانان با یکدیگر و انجام برخی از مراسم مذهبی همچون نماز جمعه و نماز عیدین (عید فطر و عید قربان) است. حتی مسجد در تمامی دورهٔ اسلامی، چه زمان ظهور اسلام در مکه و مدینه و چه در زمان‌های بعد محل شورا و مشورت دربارهٔ مسائل مهم و اساسی و حیاتی جامعه بوده است. امام خمینی دراین‌باره، کلیسا را با مسجد مقایسه کرده و می‌فرماید:

فاجعه کربلا، مظهر انحطاط جامعه اسلامی و لزوم عبرت گرفتن از آن

گاه به یک حادثه از نظر فردی نگاه می‌کنیم و گاه از نظر اجتماعی. از نظر اسلام، شهادت حسین بن علی(ع) از دیدگاه فردی یک موقعیت‌فردی است؛ برای خود حسین بن علی این شهادت شکست بود یا موقعیت؟ هر مسلمانی می‌گوید موقعیت و خود حضرت هم روز اول فرمود: «مرگ بسیاری فرزند آدم زینت قرار داده شده است، آنچنان‌که یک گردنبند برای یک زن جوان زینت است، چقدر اشتیاق دارم کشته شوم تا به پدرم، به جدم و به مادرم ملحق می‌شوم

اجتناب از دشمن عمل کند، نه آنکه با آنان طرح دوستی آشکار و نهان بریزد.(همان) به هر حال، از نظر قرآن، دشمن شناسی از اهمیت و ارزش پس‌والا برخوردار است و این شناخت باید به گونه‌ای باشد که انسان توانایی و ناتوانی‌های خود و دشمن را بشناسد و برای مقابله با آن آماده‌باشد. بنابراین، شناخت دوستان و دشمنان برای بهره‌گیری و تقابل امری لازم و ضروری است. پس همان طوری که در معاشرت فردی و شخصی با دیگران به شناخت دوست و دشمن نیاز داریم، در عرصه ملی و جهانی نیز نیازمند چنین شناختی هستیم تا بتوانیم سعادت و هدایت خویش را تضمین کنیم و از آسیب‌های فعلی و احتمالی دشمن در امان باشیم.

معیارهای شناخت دشمن

از نظر تعالیم قرآن، معیارها و ملاک‌هایی وجود دارد که انسان می‌تواند با بهره‌گیری از آنها دوست خویش را از دشمن بازشناسد و خود را برای مقابله با دشمن آماده کند. البته شناخت دشمن با ملاک‌های قرآنی گام نخست برای عمل است؛ زیرا اگر انسان دشمن را شناخت می‌بایست برای مقابله یا اجتناب از آن نیز برنامه عملیاتی داشته باشد و تنها به جرم است، و خدا آنان را نه تنها همین دوستی با دشمنان در دنیا و آخرت مجازات می‌کند(ممتحنه، آیات ۳ تا ۱۳)؛ چرا که اگر کسی دشمنی را شناخت باید به اصول اولیه

بهترین و مؤثر ترین عامل در افزایش توان کارکردی مساجد، یاری خواستن از امامان جماعت شایسته، کارآمد، اهل خلوص، فعال، خوش‌رفتار، فروتن و دارای سعهٔ صدر و توانمند در برقراری ارتباط صمیمی با قشرهای مختلف به‌ویژه گروه جوان و نوجوان است.

مسجد، کانون تربیت و خودسازی

اعلیٰ قنبریان

«مسیحیون خیال نکنند که اسلام هم، مسجد هم، مثل کلیساست. مسجد وقتی نماز در آن بر پا می‌شده است تکلیف معین می‌کرده‌اند. چنگها از آنجا شالوده‌اش ریخته می‌شده است. تدبیر ممالک از آنجا، از مسجد شالوده‌اش ریخته می‌شده است. مسجد مثل کلیسا نیست. کلیسا یک رابطهٔ فردی ما بین افراد و خدای تبارک و تعالی است لکن مسجد مسلمین در زمان رسول خدا و در زمان خلفایی که بودند، هر جور بودند، مرکز سیاست اسلام بوده است. در روز جمعه با خطبهٔ جمعه مطالب سیاسی است، مطالب مربوط به جنگ‌ها، مربوط به سیاست مدن، اینها همه در مسجد درست می‌شده است. شالوده‌اش در مسجد ریخته می‌شده است در زمان رسول خدا و در زمان دیگران و در زمان حضرت امیر سلام الله علیه.» (صحیفهٔ امام، ج ۲، صص ۳۲۲-۳۲۳)

متأسفانه در دورهٔ کنونی نسبت به گذشته، سرگرمی‌ها بیشتر و متنوع‌تر شده‌اند مانند فیلم‌ها، سریال‌ها و شبکه‌های اجتماعی و همین امر سبب جدایی مسجد با افراد اجتماع به‌ویژه جوانان شده است. سرگرمی‌های جایگزین، نه‌تنها نقش تربیتی خنثایی دارند بلکه در برخی مواقع عامل احترامات و ناآشنایی‌های فردی و اجتماعی شده و زمینه‌ساز سقوط فرد و ازهم‌پاشیدگی بنیان خانواده‌ها شده است. بنابراین لازم است

(آل عمران، آیات ۱۱۸ و ۱۲۰؛ توبه، آیه ۵۰) پس دشمن خواهان رنج است و اگر رنجی برسد خوشحال می‌شود. بنابراین، می‌توان با بهره‌گیری از نشانه‌ها و رفتارهای افراد دانست که دشمن یا دوست هستند؟

۲. دعوت به زشتی و بدی: دوست کسی است که انسان را به سوی ارزش‌ها دعوت می‌کند و امر به معروف و ناهی از منکر و زشتی است؛ اما دشمن به زشتی و بدی دعوت می‌کند. پس فراخوانی مردم به کارهای ناروا و زشت و فجح، کاری شیطانی و ملاک و معیاری برای شناسایی دشمن است که باید آن را ملاک مهم دانست.(بقره، آیات ۱۶۸ و ۱۶۹)

۳. دعوت به فساد و افساد: از دیگر معیارهای دشمن شناسی، دعوت به فساد و افساد است؛ در حالی که انسان‌های سالم و دوست دعوت به اصلاح و صلاح و صلح می‌کنند.(بقره، آیات ۲۰۴ و ۲۰۵)

۴. لحن و گفتار بغض آلود: کسی که دشمنی دارد، از گفتار و لحن او می‌توان آن

از نظر قرآن، اگر کسی به این نتیجه نرسد که دشمنی وجود دارد، هرگز آمادگی تقابل با دشمن را نداشته و این‌گونه گرفتار مکر و فریب دشمن شده و حتی نابودی و شقاوت ابدی را برای خویش رقم می‌زند.

را به دست آورد؛ زیرا بغض آلودگی گفتار دشمنان قابل شناسایی و ادراک است و می‌توان از این طریق دوست را از دشمن تشخیص داد.(آل عمران، آیه ۱۱۸)

۵. نسل کشی: افرادی که دشمنی می‌ورزند، برای اصول اخلاقی و انسانی ارزشی قائل نیستند. بنابراین، برای نسل و کشت و زرع مردم و دیگران اهمیتی نمی‌دهند و به سادگی دست به نسل کشی می‌زنند. پس اگر کسی یا گروه یا کشوری را دیدید که نسبت به نسل انسانی بی‌توجه است و به سادگی نسل کشی می‌کند، باید او را دشمن دانست و به دیده دشمن به او نگریست.(بقره، آیات ۲۰۴ و ۲۰۵)

من چون مدت‌ها پیش‌نماز بودام و پیش‌نمازی کردم، می‌دانم که پیش‌نمازی، چقدر کار خوب و مؤثر و پرفعالیت و پرنشاطی است. غالباً کسانی که پیش‌نمازی نکردانه، نمی‌دانند پیش‌نمازی یعنی چه. بعضی‌ها هم که در مسجد نمازی خوانند، دلیله‌ها را می‌بینند اگر دیگری رفتند، آنها هم طعم پیش‌نمازی را نمی‌فهمند. پیش‌نمازی، یعنی آدم مسجد را واقعا محل کار خودش بداند؛ قبل از رفتن، حتی قبل از دیدن که به آنجا برده؛ اوضاع مسجد را ببیند اگر امکاناتی در وضع ظاهر مسجد هست، برطرف کند؛ سجده‌اش را پهن نماید؛ منتظر مردم بماند که بیایند؛ با یک‌یک افرادی که می‌آیند، تا آنجایی که می‌تواند، تماس بگیرد؛ به آنها محبت بکند؛ از آنها احوالپرسی کند؛ نمازهای مشکلی دارند، در آن حدی که برایش میسور است، برطرف کند؛ نه اینکه پادوی کارهای خدمتای مردم بشود. در بعضی از مساجد، چنین چیزهایی وجود دارد که قطعاً غلط است. در آنجا بنشینند، مردم به او مراجعه بکنند، درد دل بکنند، خودش را بر مردم عرضه کند، در معرض مراجعات مردم قرار بدهد؛ نماز را که تمام کرد، برای مردم مسئله و تفسیری بگوید، حرفی بزند و بلند شود؛ بیرون برود؛ یعنی این‌طور، ساتی از وقت خودش را در اینجا صرف کند؛ به نظر من، این‌طور پیش‌نمازی، یک‌فرد خیلی مفید و مؤثر و بالبرکت و جلب‌کنندهٔ عواطف است. در سایهٔ چنین پیش‌نمازی‌ای است که وقتی او به آن کسانی که مراجعه می‌کنند، سرکار و رفقا دم‌آدم دارند؛ حتی کسانی که وقت هم نمی‌کنند به مسجد بروند، اما دواور می‌دانند و از دیگران شنیدانه که این اقا، چه آقای خوبی است، اشاره کند که فلان کار باید انجام بگیرد، نه بوجدی می‌خواهد، نه قدرت قانونی می‌خواهد و به بخشنامه لازم دارد؛ آن‌ها طبق نظر و گفته او انجام خواهد گرفت.

در مسجد دانشگاه، اگر این روحانی صاحب این مسجد بشود و به آنجا برود و بنشیند بحث کند، حتما دانشجویان جذب می‌شوند. البته ممکن است مدتی نایابند و عده‌ای بدجنسی کنند؛ لیکن اصلاً دانشجو، به یک نفر که مثل پدر با او برخورد کند و مشکلاتش را مرتفع سازد، احتیاج دارد. اگر چنین روحانی‌ای در آنجا باشد، اصلا امکان ندارد که دانشجویان مراجعه نکنند. این دانشجو قهراً مراجعه می‌کند؛ چون عقدهٔ روحی دارد.» (سیدعلی خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اعضای شورای مرکزی نمایندگان ولی فقیه در دانشگاه‌های کشور و مسئولان دفاتر نمایندگی

۰۸/۰۷/۱۳۹۹، صص ۲۵۲).

چراغ راه

پاداش الهی برای تزکیه نفس و تکامل عقل

قال الامام علی(ع): «جاهد شهوتک و غالب غضبک و خالف سوء عادتک، تزک نفسک و یکمل عقلک و تستکمل ثواب ربک.»
امام علی(ع) فرمود: با هوا و هوست مبارزه کن، بر خشم مسلط شو و با عادت‌های بدت مخالفت کن، تا روح پاک و عقلت کامل گردد

و پاداش پروردگارت را به تمامی دریافت نمایی.^(۱)

۱- غرر الحکم، ج ۴ ص ۴۷۶

حکایت خوبان

تعقل، شاخص تقرب به خدا

نه کمیت اعمال ظاهری

گروهی در حضور پیامبر اکرم(ص) مردی را ستایش کردند و همه ویژگیهای خوب را برایش برشمردند، رسول خدا(ص) فرمود: عقل او چگونه است؟ گفتند: ای رسول خدا! ما از جدیت او در عبادت و دیگر خوبی‌ها سخنی می‌گوییم و شما از عقل او می‌پرسید؟! حضرت فرمود: نادان از روی نادانی به زشتی‌های بزرگ‌تر از زشتی‌های انسان گنهگار دست می‌زند. همانا بندگان به میزان عقلشان در روز قیامت به درجه بالاتر نائل و به پروردگارشان نزدیک می‌شوند.^(۱)

۱- تحفالعقل، ص ۵۲

پرسش و پاسخ

تربیت صحیح مبنای رفتار الهی و انسانی(۱)

پرسش:
اعمال ارادی انسان در چه شرایطی می‌تواند بهترین ضامن سعادت فردی و اجتماعی انسان گردد؟

پاسخ:

اقسام عمل انسان

اعمالی که به‌وسیله انسان انجام می‌گیرد دو قسم است: یک قسم اعمال طبیعی و غیرارادی مانند هم هضم و عمل گردش خون و قلب و... که در این‌گونه اعمال میل و اراده و خواست و خواستن انسان دخالت ندارد. تابع جریان عوامل و علل دیگری است، که به‌صورت جبری و غیرارادی انجام می‌گیرد.
قسم دوم اعمال ارادی و انتخابی است. یعنی اعمالی که با نیروی عزم و اراده و انتخاب انسان صورت می‌گیرد. قوه تمیز و تشخیص و قوه عزم و اراده و تصمیم ما در تکوین این قسم اعمال دخیل هستند. به بیان دیگر این‌گونه اعمال را اگر انسان بخواهد انجام شود، انجام می‌شود و اگر نخواهد انجام نمی‌شود. اعمال غیرارادی انسان ششبه به اعمال جمادات و نباتات است، اما انسان در اعمال ارادی خویش آزاد است و قدرت انتخاب کردن دارد. که اصطلاحاً آزادی اراده و انتخاب نامیده می‌شود.

البته این نکته را باید متذکر شد که معنی آزادی اراده این نیست که انسان تابع هیچ نظم و قانون و سنتی نیست و خود به خود صورت می‌گیرد زیرا که این امر عقلا محال است. در فلسفه ثابت شده است که هیچ حادثه‌ای در عالم هستی واقع نمی‌شود مگر اینکه تحت یک نظم و جریان یک سلسله اسباب و سنن و علل به‌خصوصی انجام می‌گیرد.

سعادت یا شقاوت

انسان در اعمال ارادی و انتخابی خود همیشه دو راه در پیش دارد: سعادت یا شقاوت و ارزش و قیمت انسان هم مربوط به این‌گونه اعمال است. وضع قوانین و پیدا شدن شرایع و تکالیف و حقوق نیز برای کنترل کردن و تعیین ختم‌شمی انسان در همین‌گونه اعمال است. قرآن کریم می‌فرماید: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا». ما (هدایت الهی) را به انسان نشان دادیم اما پیمودن و شاکر بودن و نیپیمودن و کفور بودن آن راه مربوط به خود انسان است.(دهر-۳) در انسان یک قوه‌ای وجود دارد به نام قوه عاقله که خیر و شر و نیک و بد و صلاح و فساد را تمیز می‌دهد و یک قوه‌ای دیگر وجود دارد به نام قوه اراده که اگرآنکندند آن چیزهایی است که عقل تشخیص می‌دهد، و محرک و بیدارکننده سایر ملکات و قوای انسان است.

علمای اخلاق که موضوع علمشان روح انسان و اعمال ارادی او است از قدیم و جدید در پی کشف همین قانون‌های ثابت و قطعی که بر امور نفسی و ارادی ما حکومت می‌کند بوده و هستند. در اخلاق و روانشناسی ثابت شده که اعمال انسان پایه‌ها و اساس نفسانی دارند، مانند غریزه و عادت که بر روی آنها قرار گرفته‌اند، که البته ما آن پایه‌ها و اساس‌ها را با حواس خودمان ادراک نمی‌کنیم، اما از راه آثار آنها که همین اعمال ارادی و انتخابی است به وجود آنها پی می‌بریم.

بنابراین برای کسی که بخواهد یک طریق اخلاقی پیش بگیرد، و اعمال خودش را کنترل کند و با کسی که بخواهد عهده‌دار تربیت و اصلاحات معنوی جامعه بشود، لازم است که تنها به ظواهر اعمال قناعت نکنند، بلکه ریشه‌ها و پایه‌های آنها را جستجو نمایند. قران کریم می‌فرماید: «قل کل یعمل علی شاکلته» بگوا هر کسی هر عملی را انجام می‌دهد بر طبق حالت و صفات درونی او است.(سرا-۸۴)

نقش تربیت در انتخاب راه سعادت یا شقاوت

نقش و فواید تعلیم و تربیت صحیح این است که آن پایه‌ها و اساس‌ها را طوری در وجود انسان نهادینه می‌کند که دیگر هیچ‌گاه اراده انسان متوجه کارهای زشت و پست نمی‌شود و همیشه کارهای خیر و شایسته و به تعبیر قرآن عمل صالح غایت و هدف انسان قرار می‌گیرد. از این منظر مستغنی و دشواری این کار یعنی عهده‌داری تربیت جامعه روشن می‌شود.

ادامه دارد

سلوک عارفانه

تأدیب نفس، سرلوحه دعوت انبیا

آنچه سرلوحه دعوت انبیای عظام است، تأدیب نفس، تحدید هواهای نفسانیه و روش رفتاری دادن به شهوت، غضب، و هم انسان‌ها است ^(۱)

یعنی انبیای عظام مرزبندی‌های الهی را برای اعمال و بهره‌برداری از غضب و شهوت بیان می‌کنند، و انسان‌ها نیز باید طبق آن مرزبندی‌ها عمل نمایند. بنابراین سرلوحه دعوت انبیای الهی، تربیت انسان‌ها در بعد نفسانی بوده است.^(۲)

۱- صحیفه نور، ج ۱۱، خودسازی و سازندگی درونی، مورخ ۱۳۵۸/۱۰/۲
۲- ادب الهی، آیت‌الله شیخ مجتبی تهرانی(ره)، کتاب پنجم، ص ۲۳

صفحه معارف روز های: شنبه، یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود تلفن‌های مستقیم: ۰۳۹۶۱۹۹۱ – ۰۳۵۲۰۲۲۲۱ Maarefkayhan@Kayhan.ir

*** مجموعه آثار استاد شهید مطهری (حماسه حبسینی(۱ و ۲)، ۱۷، ص ۳۴- با تلخیص و ویرایش جزئی**